

آیا لنین مائوئیست می‌شد؟ گفت‌وگو با پل سوئیزی و هری مگداف



ترجمه: زنجیره





دَر گنْدُمزار زَنجِرِه می خوانند...

تاریخ گفت‌وگو: می، ۱۹۸۹؛ نیویورک. گفت‌وگوی الکساندر کاک‌پرن با پل سوئیژی و هری مگداف.

من به دفتر مانتلی ری ویورفته بودم تا با پُل سوئیزی و هری مگداف گفت وگو کنم.

هری مگداف: به ۱۹۴۹ که برگردیم، آن زمان که مانتلی ری ویو در حال تأسیس بود، پل و لیو هوبرمن گفتند که باید به ایده‌ای سوسیالیستی فکر کنیم. حالا هم باید چنین کنیم و به ایده‌ای سوسیالیستی بیندیشیم. اگر بخواهید صرفاً بر رشد کردن اتکا کنید، نمی‌توانید جامعه‌ای شایسته بنا کنید. سوال این است: چه نوع رشدی؟ برای چه هدفی؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، باید به اصول اولیه سوسیالیسم باز گردیم، به خارج چیزی که مارکس و انگلس اندیشه‌هایشان را در آن رشد دادند: به سوسیالیسم تخیلی.

پل سوئیزی: بسیاری از افرادی که امروزه خود را سوسیالیست می‌دانند، منظورشان از سوسیالیسم، صرفاً حذف بدی‌های افراطی سرمایه‌داری است. قابل درک است؛ اما کاملاً اشتباه. آنچه نیاز داریم حذف سرمایه‌داری است، نه حذف بدی‌ها یا افراط آن. این تخریب محیط زیست نیست که بدی‌ها و افراط‌های آن را شکل می‌دهد. مشکل خود سیستم است. شما باید افرادی را مسئولیت دهید که به چیزی غیر از کسب سود اهمیت بدهند و افرادی که سیاست‌ها را اجرا می‌کنند نیز باید مراقب باشند.

هری مگداف: [مقصودمان] یک انقلاب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

پل سوئیزی: مائو کاملاً ایده‌ای صحیح داشت؛ اما احتمالاً انجام همه آن‌ها غیر ممکن بود.

الکساندر کاک‌پرن: امروز مائو را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پل سوئیزی: به نظرم او محشر است.

الکساندر کاک‌پرن: فکر نمی‌کنید او با انقلاب فرهنگی، حزب را نابود کرد؟

پل سوئیزی: او احتمالاً حزب را نابود کرد چرا که باید نابود می‌شد؛ چون حزب مزخرفی شده بود.

هری مگداف: به راه سرمایه‌داری کشیده شده بود.

الکساندر کاک‌پرن: درست است. فیدل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پل سوئیزی: نمی‌دانم. خیلی دقیق دنبالش نکرده‌ام. عمیقاً با او همدردی می‌کنم که بر آنچه اعتقاد دارد ایستاده است. او سرسخت است و اشتباهات زیادی مرتکب شده؛ او به سوی عقل سلیم به پرواز در آمده. اما به درک! احتمالاً این راهی است که تاریخ بشر باید طی کند.

الکساندر کاک‌پرن: چرا فکر می‌کنید مائو انقدر خوب است؟

پل سوئیزی: چون او چیزهایی گفت که بهشان باور داشت و واقعاً به مردم الهام بخشید که به آن‌ها باور داشته باشند - که برای داشتن یک جامعه‌ی شایسته، باید «به مردم خدمت کنید»؛ «خدمات عمومی، نه سود خصوصی.» مارکس اگر زنده بود می‌گفت مائو پسر اوست... من چیزی در مارکس ندیده‌ام که تا این

اندازه درست باشد... . مائو تنها رهبرِ مارکسیست واقعی، در جهانِ پس از مارکس است.

الکساندر کاک‌پرن: چرا لنین را کنار گذاشتید؟

پل سوئیزی: خب مشکلات لنین خیلی فرق داشت. من فکر می‌کنم که اگر او زنده می‌ماند، ممکن بود مائوئیست شود؛ به این معنی که به حزب حمله کند و مقرر فرماندهی را از سر ناچاری برای تغییر همه چیز مورد هدف قرار دهد.

هری مگداف: مائو این ایده را به چالش کشید که برنامه‌ریزی اقتصادی، تضادِ منافع میان مردم را از بین می‌برد. او این مسئله را بیشتر دیالکتیکی می‌دید: تضاد بین روشنفکران و کارگران یدی، بین شهر و روستا، بین قشر بندی در حزب و جامعه. او گفت که برای غلبه بر این تضادها، چه صد سال طول بکشد چه پانصد سال، باید مبارزه کرد؛ اما اکنون سوسیال‌دموکرات‌های رفاه دوست، در چارچوب سوسیالیسم، تنها کاری که می‌خواهند انجام دهند این است که نوع رشد اقتصادی جهان سرمایه‌داری را به دست آورند. [این کار] همان مشکلاتی را ایجاد می‌کند که در سرمایه‌داری وجود دارد.

پل سوئیزی: اگر قرار بود ما در این جا، در این کشور ثروتمند، انقلاب کنیم، باید کل شیوه زندگی خود را تغییر می‌دادیم.



ما را در تلگرام دنبال کنید: @zanjarehh